

الدراسات الفقيهية المقارنة

سنة الثاني، رقم الرابع، الخريف و الشتاء ١٤٠١ ش

10.22034/FIQH.2023.379792.1126

نظرة المرأة للرجل الأجنبي من وجهة نظر المذاهب الفقهية

سعيد ضيائي فرا

[تاريخ الاستلام: ١٤٠١/١٥/١٥؛ تاريخ القبول: ١٤٠١/١٢/٢٥ هـ ش]

المستخلص

من المسائل الفقهية أن تنظر المرأة إلى رجل الأجنبي بغير شهوة وهناك آراء مختلفة حول هذا الموضوع. يجب أن نرى أي رأي أنسب ويمكن الدفاع عنها. الهدف هو تحليل السؤال أعلاه بطريقة تاريخية، تحليلية ونقدية باتباع الحجج الصحيحة للفريقين. في هذه المقالة، جرت محاولة للتحقيق باتباع الدليل الصحيح وبعيدا عن تحيز وجهة نظر معينة. ولوحظت فيها متطلبات المجتمع المعاصر أيضا. منهج البحث مقارني و يكون بحسب احوال نزول الآيات وإصدار الروايات ونظرا إلى الاتجاهات العامة للشريعة في هذا المجال. تكون نتيجة فحص العلمى والعادل لادلة آراء المذاهب الفقهية انه لا إشكال لنظرة المرأة بغير الشهوة إلى أعضاء جسد الرجل الأجنبي التي لم يتم تغطيتها عرفا.

كلمات المفتاحية: نظر المرأة، الرجل الأجنبي، النظرة الشهوانية، المذاهب الفقهية الخمسة، التوجهات العامة للشريعة.

١. أستاذ بحوث الخارج في الحوزة العلمية بقم، وأستاذ مشارك في قسم فلسفة الفقه والقانون، معهد الفقه والقانون، معهد العلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران ziaei.sacid@isca.ac.ir

نگاه کردن زن به مرد نامحرم از دیدگاه مذاهب فقهی

سعید ضیائی فر

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰]

چکیده

یکی از مسائل فقهی نگاه کردن بدون شهوت زن به مرد نامحرم است که دیدگاه‌های گوناگونی درباره آن وجود دارد. باید دید کدام دیدگاه موجه و قابل دفاع است. هدف این است که پرسش فوق به صورت تاریخی، تحلیلی و انتقادی با پیروی از ادله معتبر فریقین بررسی شود. در این مقاله تلاش شده است بررسی با پیروی از دلیل معتبر و به دور از جانبداری از دیدگاه مذهبی خاص باشد. همچنین در آن اقتضائات جامعه معاصر در نظر گرفته شده است. روش بررسی به شکل تطبیقی و با توجه به فضای نزول آیات و صدور روایات و با استفاده از جهت‌گیری‌های کلی شارع در این زمینه است. مقتضای بررسی علمی منصفانه همه ادله دیدگاه‌های مذاهب فقهی آن است که نگاه کردن غیر شهوی زن به اعضای بدن مرد نامحرم که به صورت متعارف پوشانیده نمی‌شود اشکالی ندارد.

کلیدواژه‌ها: نگاه کردن زن، مرد نامحرم، نگاه شهوی، مذاهب پنج‌گانه فقهی، جهت‌گیری‌های کلی شارع.

مقدمه

یکی از مسائل فقهی نگاه کردن بدون شهوت زن به اعضای بدن مرد نامحرم است که در بسیاری از تعاملات اجتماعی چون ورزش، سفر، سینه‌زنی پیش می‌آید. نگاه کردن زن به اعضای بدن مرد نامحرم صورت‌های گوناگونی دارد؛ گاهی بدون ریبه و شهوت و گاهی باریبه یا شهوت است، گاهی مرد دارای پوشش متعارف است مانند اینکه بیشتر اعضای بدنش، به جز سر و گردن، پوشیده است و گاهی دارای پوشش متعارف نیست، مانند اینکه فقط عورتش پوشیده است.

موضوع بحث این مقاله جایی است که نگاه کردن همراه با ریبه یا با شهوت نباشد، مرد دارای پوشش متعارف باشد و عنوان محرم دیگری بر آن صدق نکند. پرسش این است که کدام دیدگاه درباره نگاه کردن غیر شهوی زن به مرد نامحرم در میان مذاهب فقهی موجه و قابل دفاع است.

برخی فقیهان متقدم فقط فتوای نامستند خود را در این باره مطرح کرده‌اند. بسیاری از فقیهان متأخر این مسئله را آورده‌اند، ولی به شکل مستوفی بررسی نکرده‌اند. برخی از فقیهان امامیه چهار دیدگاه (سبحانی، ۱۴۱۶: ۵۸/۱) و برخی از فقیهان اهل سنت سه دیدگاه را (ابن قطن فاسی، ۱۴۳۳: ۴۳۰) در این مسئله بررسی کرده‌اند، در حالی که در میان فقیهان امامیه و اهل سنت دیدگاه‌های دیگری نیز وجود دارد. افزون بر آن، در منابع فریقین ادله دیگری نیز آمده که بررسی نشده‌اند. همچنین تقریرهای جدیدی می‌توان از ادله پیشینیان ارائه داد و مهم‌تر اینکه از جهت‌گیری‌های کلی شارع در این زمینه می‌توان استفاده کرد و اقتضائات زندگی متعارف در جامعه امروزی را در نظر گرفت؛ از این رو این مسئله یکی از مسائل فقهی مورد نیاز جامعه است و به‌رغم بررسی در کتاب‌های فقه استدلالی لازم است با توجه به همه نکات فوق بیشتر مورد مذاقه فقه پژوهان قرار گیرد.

استقصای همه دیدگاهها، فراهم آوردن ادله جدید، ارائه تقریرهای جدید از ادله پیشینیان، تعدد استفاده از منابع حدیثی فریقین در هر مورد، توجه به جهت‌گیری‌های کلی شارع در این زمینه و در نظر گرفتن اقتضائات زندگی امروزی از ویژگی‌های این مقاله است.

دیدگاه‌ها و ادله آنها

درباره نگاه کردن زن به مرد نامحرم در میان مذاهب فقهی دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد که به همراه ادله آنها بررسی می‌شود، ولی چون گاهی در یک مذهب نیز دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. مثلاً در امامیه چند دیدگاه وجود دارد و به شافعی هم دو نظر نسبت داده‌اند (ابن قدامه مقدسی، بی تا: ۴۶۵/۷). و نمی‌توان دیدگاه‌ها در این مسئله را طبق مذاهب فقهی دسته‌بندی کرد، بعد از هر دیدگاه، قائلان به آن دیدگاه را نیز بیان می‌کنیم.

دیدگاه اول

نگاه کردن زن به تمام اعضای مرد (به جز عورتش) جایز است؛ برخی فقیهان امامیه این دیدگاه را دارند (مصطفی خمینی، ۱۳۷۶: ۴۰۱/۲؛ صانعی، ۱۴۳۱ق، ۲/۲۴۳ و فضل‌الله، ۱۴۱۷ق، ۹۰/۱).

دلیل اول

قدریقینی ادله‌ای که بر حرمت نگاه زن به مرد دلالت می‌کنند، مانند آیه غض بصر، حرمت نگاه به عورتین است، نه بیشتر (خمینی، ۱۳۷۶: ۲/۲۴۳؛ فضل‌الله، ۱۴۱۷: ۹۰/۱).

۱. قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ (نور/۳۱).

بررسی: این دلیل در صورتی معتبر است که آیه مجمل باشد و قرینه‌ای بر مراد از آن نباشد، ولی نه تنها آیه مجمل نیست، بلکه چند قرینه بر مراد از آن وجود دارد که در ضمن دیدگاه‌های بعد ارائه می‌کنیم.

دلیل دوم

روایت علی بن جعفر: از امام کاظم (ع) درباره مردی پرسیدم: «در باطن ران یا کپل وی زخمی هست؛ آیا زن می‌تواند به آن نگاه و آن را مداوا کند؟». امام پاسخ داد: «اگر شرمگاه مرد نباشد، اشکالی ندارد» (حر عاملی، ۱۴۱۶: ۲۰/۲۳۳). ظاهر این روایت این است که نگاه کردن به اعضای مرد، به غیر از شرمگاه، جایز است» (فضل الله، ۱۴۱۷: ۸۶).

بررسی: این روایت مربوط به حالتی خاص (مقام معالجه به قرینه تداویه) است و احتمال خصوصیت هم برای بطلان تمسک به آن کافی است. افزون بر این، سازگاری آن با جهت‌گیری‌های کلی شریعت که از آیات و روایات حیا و عفت استفاده می‌شود، دشوار می‌نماید.

دیدگاه دوم

نگاه کردن زن به تمام اعضای مرد، به جز مابین ناف تا زانو، جایز است. برخی فقیهان حنفی و حنبلی این دیدگاه را دارند (سرخسی، ۱۴۰۶: ۱۰/۱۴۷؛ بهوتی، ۱۴۱۸: ۹/۵).

دلیل اول

در روایتی آمده که ران عورت است (نوری، ۱۴۰۸: ۱/۴۷۸؛ ابن حنبل، بی تا، ۴۷۸/۳).
بررسی: اولاً روایت به نقل امامیه مرسل است و به نقل اهل سنت برخی راویانش توثیق ندارند (شوکانی، ۱۹۷۳: ۲/۴۹) و اعتبار امثال این روایت ثابت نشده و در عورت بودن ران اختلاف

است (وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلاميه، ۱۴۲۳: ۴۰/۳۵۵). ثانياً این روایت اخص از مدعا است؛ چون مدعا حرمت نگاه کردن از ناف تا شرمگاه و از شرمگاه تا ران است، ولی این روایت بر بخش اول دلالتی ندارد.

دلیل دوم

پیامبر (ص) به فاطمه بنت قیس، که طلاق داده شده بود، فرمود: «در نزد ابن ام مکتوم عده نگه دار» (مسلم نیشابوری، بی تا: ۴/۱۹۵)، در حالی که نگاه وی به ابن ام مکتوم می افتاده است (وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلاميه، ۱۴۲۳: ۴۰/۳۵۶).

بررسی: اولاً دلیلی بر اعتبار روایت نیست، بلکه صدور این روایت از پیامبر بعید است. چطور پیامبر به زنی دستور می دهد در خانه مردی بیگانه زندگی کند، در حالی که خلوت کردن زن و مرد بیگانه اشکال دارد؟ (حر عاملی، ۱۴۱۶: ۱۹/۱۵۴؛ ابن حنبل، بی تا: ۱/۲۶). این احتمال برای وثوق نداشتن به صدور آن کافی است. ثانياً در حدیث قرینه ای نیست که نشان دهد وی به غیر از مابین ناف و رانش را نپوشانده است، در حالی که استدلال بر اثبات این مسئله متوقف است (ابن قطان فاسی، ۱۴۳۳: ۴۳۹).

دیدگاه سوم

نگاه کردن زن فقط به صورت، دست ها، سر، گردن و پاهای مرد جایز است. برخی فقیهان امامیه این دیدگاه را دارند (خویی، ۱۴۱۰: ۲/۲۶۰).

دلیل

سیره قطعی بر نپوشانیدن این اعضا و نگاه زنان به این اعضا تا عصر معصومان بوده است (خویی، ۱۴۱۸: ۳۲/۷۹).

بررسی: دو مطلب مسلم است:

یکی اینکه متعارف بوده که مردان برخی از اعضایشان را نمی پوشانده اند و دیگر اینکه متعارف بوده که زنان به این اعضا نگاه می کرده اند، ولی اولاً این اثبات نمی کند که مردان صورت، دست ها، سر، گردن و پاهایشان را نمی پوشانده اند و ثانیاً متعارف در محیط های مختلف متفاوت بوده است، مثلاً در شالیزار نپوشانیدن پا تا نزدیک زانو و در محیط معمولی تا قوزک پا متعارف است؛ بنابراین نسبت میان دلیل و مدعا تساوی نیست، بلکه دلیل با مدعا ی دیگری نسبت تساوی دارد که در آینده بیان می کنیم.

دیدگاه چهارم

نگاه کردن زن فقط به سر و دست ها و پاهای مرد جایز است. برخی فقیهان امامی، مالکی و حنبلی این دیدگاه را دارند (مغنیه، ۱۴۲۱/۱: ۸۵؛ جزیری، ۱۴۰۶/۱: ۱۹۲).

دلیل

تمام بدن مرد عورت است و فقط سر و دست ها و پاهای او استثنا شده است (غروی و مازح، ۱۴۱۹/۱: ۲۹۱).

بررسی: در دلیل هم ادعا شده که تمام بدن مرد عورت است و هم اینکه این موارد استثنا شده اند؛ هر دو ادعا به دلیل معتبر نیاز دارند.

دیدگاه پنجم

نگاه کردن زن فقط به صورت و دست های مرد جایز است. برخی فقیهان امامی، شافعی و حنبلی این دیدگاه را دارند (موسوی خمینی، ۱۴۰۴: ۱۹۶؛ ابن قدامه مقدسی، بی تا: ۴۶۵/۷).

دلیل اول

برخی دلیل آن را اجماع دانسته‌اند (بهجت، ۱۴۲۶: ۵۱۶/۳).
بررسی: این دلیل مخدوش است و در آینده آن را بررسی می‌کنیم.

دلیل دوم

روایاتی وجود دارند که صورت و دو دست را از حرمت نگاه مرد به زن استثنا می‌کنند و چون میان حرمت نگاه مرد به زن و حرمت نگاه زن به مرد و نیز میان موارد استثنا شده از حرمت نگاه در هر دو مورد ملازمه وجود دارد، باید گفت چون نگاه مرد به صورت و دست‌های زن جایز است، به حکم تلازم، نگاه زن هم فقط به صورت و دست‌های مرد جایز است (ابن قدامه مقدسی، بی تا: ۴۶۵/۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۸: ۵۳/۱۱).

بررسی: ادعای تلازم به دلیل متقن نیاز دارد و اجماعی هم بر آن نیست که در بررسی دلیل اجماع می‌آوریم.

دیدگاه ششم

نگاه کردن زن فقط به صورت و دست‌های مرد برای بار اول جایز است، ولی برای بار دوم به بعد جایز نیست. برخی فقیهان امامی این دیدگاه را دارند (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲۱۳/۲؛ خواجویی، ۱۴۱۸: ۱۴).

دلیل

روایاتی نگاه اول را جایز و نگاه دوم را به ضرر انسان (صدوق، ۱۳۶۲: ۳۰۶/۱؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ۳۲۵/۵) و غیر جایز می‌دانند (خواجویی، ۱۴۱۸: ۱۴).

بررسی: اولاً این روایت ضعیف است؛ چون جعفر بن محمد بن مالک بن عیسی بن سابور در سند آن حضور دارد که در رجال تضعیف شده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۲۲) و نقل دیگر آن (صدوق، ۱۴۱۳: ۴۱۹/۳، ۴۷۴) مرسله است و اعتباری ندارد؛ در نقل سوم نیز عبدالله بن یحیی کاهلی حضور دارد (صدوق، ۱۴۱۳: ۱۸/۴) که موثق نیست (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۲۱-۲۲۲). ثانیاً بر فرض هم روایت از نظر سند معتبر باشد از نظر دلالت بر مدعا دلالتی ندارد چون روایت در باره نگاه مرد به زن است و تعدی از آن به نگاه زن به مرد به دلیل معتبر نیاز دارد. ثالثاً روایت در مقام بیان این است که میان نگاه اتفاقی و بدون شهوت و با شهوت فرق است شاهد آن این است که نگاه اول هر قدر هم طول بکشد عرفاً نگاه اول است که درحالی ادامه دادن به نگاه اول با شهوت جایز نیست (خوئی، ۱۴۱۸ق، ۳۲/۵۱).

دیدگاه هفتم

نگاه کردن زن به هیچ یک از اعضای بدن، سر و دست‌ها و پاهای مرد جایز نیست برخی فقیهان امامیه این دیدگاه را دارند (حلبی، ۱۳۶۲، ۲۹۶).

دلیل اول

عموم آیه شریفه «قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ؛ ای پیامبر، به زنان مؤمن بگو که نگاه کردنشان را کوتاه و دامان خود را حفظ کنند» (نور: ۳۱). می‌توان استدلال به این آیه را چنین تقریر کرد که غَضُّ بصر ترک کردن نگاه است؛ از این رو آیه به زنان مؤمن دستور می‌دهد که نگاه کردن به مردان را ترک کنند. این دستور مطلق است (نگاه کردن شهوی و غیر شهوی را در بر می‌گیرد)؛ چون در آیه قیدی برای این دستور ذکر نشده است.

بررسی: این دلیل برای اثبات مدعا کافی نیست؛ زیرا دو واژه وجود دارد، یکی غمض که به معنای ترک کردن است و وقتی به بصر تعلق گیرد به معنای روی هم گذاشتن پلک است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۱۵؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۶۸/۷) و دیگری غض که به معنای کاستن است و وقتی به بصر تعلق گیرد، به معنای محدود کردن نگاه است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۸۳/۴؛ زمخشری، ۱۹۷۹: ۴۵۱؛ فیومی، ۱۴۱۴: ۴۴۹/۲). قرائنی نیز بر این سخن دلالت می‌کنند.

قرینه اول. کاربردهای قرآنی: غض در دو آیه دیگر هم به کار رفته است؛ در آیه سوم سوره حجرات غض به معنای پایین آوردن آهنگ صدا به کار رفته است، نه قطع صدا. همچنین در آیه نوزدهم سوره لقمان که لقمان به فرزندش دستور می‌دهد صدایش را پایین آورد. در هر دو آیه غض به معنای کم، کوتاه کردن و پایین آوردن صدا به کار رفته است، نه قطع صدا.

قرینه دوم. کاربردهای روایی: کاربردهای غض در روایات هم این معنا را تایید می‌کند:

۱. در وصف پیامبر آمده است: «وَإِذَا فَرَخَ غَضَّ طَرْفَهُ جُلُّ ضِحْكِهِ التَّبَسُّمُ» (صدوق، ۱۳۷۸:

۳۱۷/۱؛ هیشمی، ۱۴۰۸: ۲۷۴/۸). غض طرف خفیف بودن نگاه است، همان طور که تبسم

خفیف بودن خنده است.

۲. «مَرَّ النَّبِيُّ (ص) عَلَى رَجُلٍ وَهُوَ رَافِعٌ بَصَرَهُ إِلَى السَّمَاءِ يَدْعُو فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص) غُضَّ

بَصْرَكَ، فَإِنَّكَ لَنْ تَرَاهُ. وَ مَرَّ النَّبِيُّ (ص) عَلَى رَجُلٍ رَافِعٍ يَدِيهِ إِلَى السَّمَاءِ وَهُوَ يَدْعُو، فَقَالَ

رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَفْضَرُ مِنْ يَدِيكَ فَإِنَّكَ لَنْ تَنَالَهُ» (صدوق، ۱۳۹۸: ۱۰۷). قرینه این است

که در فراز بعدی «أَفْضَرُ مِنْ يَدِيكَ» آمده که به معنای کوتاه کردن است، نه دست دراز

نکردن. در روایات دیگری نیز به همین معنا آمده است که به دلیل محدودیت حجم

مقاله به نقل منابع اکتفا می‌کنیم (صدوق، ۱۳۷۸: ۳۲/۲-۳۳؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۵۶۵/۵؛

ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷: ۳۷۷/۳).

نگاه کردن زن به مرد نامحرم از دیدگاه مذاهب فقهی / ۴۱

قرینه سوم. کلمات دانشوران: دانشوران عرب زبان فقه (حکیم، ۱۴۱۶: ۲۵/۱۴؛ ایروانی، ۱۴۲۷: ۳۰۹/۲؛ سند بحرانی، ۱۴۲۹: ۲۳/۱) و تفسیر (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴۹۸/۳؛ جصاص، ۱۴۰۵: ۲۲۰/۵؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳۱۵/۷) همین معنا را گفته اند.

مراد از آیه

درباره مراد از آیه چند احتمال داده می شود که به دلیل محدودیت حجم مقاله، سه احتمال موسع، مضیق و متوسط را بررسی می کنیم:

۱. نهی از نگاه کردن به تمام اعضای جسم مردان؛ این گسترده ترین مفاد آیه است که التزام به آن به ادله قوی و بدون مورد نقض نیاز دارد؛
 ۲. نهی از نگاه کردن به خصوص شرمگاه مردان؛ این مضیق ترین مفاد آیه و قدر یقینی آن است و در صورت اجمال به آن اخذ می شود؛
 ۳. نهی از خصوص نگاه کردن شهوی به اعضای از مردان که معمولاً پوشانیده نمی شود؛ التزام به آن به اثبات ظهور هرچند با قرائن نیاز دارد.
- هر یک از احتمال ها تقویت کننده ها و تضعیف کننده هایی دارد:
- تقویت کننده احتمال اول: برخی قاعده اولی را در مقام بیان بودن تمام مراد دانسته اند (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ۲۴۸). در پاسخ باید گفت قاعده اولی در مقام بیان بودن است، نه در مقام بیان بودن از تمام جهاتی که مد نظر تمسک کننده به اطلاق است.
- تضعیف کننده های احتمال اول: احتمال اول چهار تضعیف کننده دارد:
- الف) لازمه این اطلاق تخصیص اکثر است؛ چون باید مواردی مثل همسر، محرم ها، دست و صورت نامحرم ها و اعضای نامحرم ها از روی لباس را خارج کرد (نراقی، ۱۴۱۵: ۳۲/۱۶؛ مصطفی خمینی، ۱۳۷۶: ۴۰/۲) و تخصیص اکثر مستهجن است.

ب) باید دلیلی ارائه شود که آیه از این جهت در مقام بیان است، نه در مقام بیان اصل حرمت. اشکال قاعده اولی نیز بیان شد.

ج) روایاتی غض بصر در این آیه را به عورت محدود می‌کنند (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۵/۲-۳۶)، ولی برخی راویان این روایات توثیق ندارند و نمی‌توان از روایات بهره برد، مگر اینکه کسی با تراکم قرائن به صدور روایات اطمینان بیابد.

د) بر فرض اطلاق، لازمه این اطلاق در زندگی اجتماعی پرباطله امروزی، عسر و حرج است که خواست شارع نیست: «بِرِيْدُ اللّٰهِ بِكُمْ الْيَسْرَ وَلَا يَرِيْدُ بِكُمْ الْعُسْرَ» (بقره: ۱۸۵) و «مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (حج: ۷۸).

تقویت‌کننده‌های احتمال دوم: دو تقویت‌کننده برای احتمال دوم وجود دارد:

الف) ذکر فرج در جمله بعدی (حکیم، ۱۴۱۶: ۲۵/۱۴) که در پاسخ باید گفت قرینه بر اراده معنایی فراتر از نگاه کردن به خصوص شرمگاه وجود دارد که ذکر می‌شود.

ب) روایاتی که غض بصر در این آیه را به عورت محدود می‌کنند (شیخ کلینی، ۱۴۰۷: ۳۵/۲-۳۶)، ولی برخی راویان این روایات توثیق ندارند و نمی‌توان از روایات بهره برد، مگر اینکه کسی با تراکم قرائن به صدور روایات اطمینان بیابد.

تضعیف‌کننده‌های احتمال دوم: این احتمال مورد خاص نزول آیه که زن و جوان انصاری نگاه شهوی به هم داشتند (نه اینکه به عورت هم نگاه کنند) را در بر نمی‌گیرد و تفسیری از متن که شامل مورد صدورش نشود، معتبر نیست. در نقل شیعه (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۲۷/۵) و سنی (سیوطی، ۱۴۰۴: ۴۰/۵) درباره شأن نزول آیه آمده است که نگاه مرد و زن به یکدیگر نگاه شهوی بوده است.

تقویت‌کننده‌های احتمال سوم: برای احتمال سوم دو تقویت‌کننده مطرح شده است:

الف) ذکر فرج در جمله بعد به علاوه قرینه بر تعدی از نگاه کردن به خصوص شرمگاه که باعث می‌شود تفسیر از متن مورد نزولش را در بر گیرد و معتبر شود.

ب) شأن نزولی که شیعه و سنی نقل کرده‌اند؛ چون زن و جوان انصاری نگاه شهوی به هم داشتند و در جای خود ثابت شده که شأن نزول در ظهور تأثیر دارد (ضیائی فر، ۱۳۹۴: ۵۳). بنابراین برای احتمال سوم قرائنی اطمینان آور بدون قرینه تضعیف‌کننده وجود دارد. بر این اساس، مراد آیه نهی از نگاه شهوی است و نگاه کردن غیر شهوی زنان به مردان مشمول نهی نخواهد شد و آیه دلیل بر حرمت نخواهد بود و اگر کسی تشکیک کند، در پاسخ گفته می‌شود آیه مجمل می‌شود و قدر یقینی آن حرمت نگاه شهوی است.

دلیل دوم

ابن ام‌مکتوم که نابینا بود، درخواست ورود به منزل پیامبر (ص) را داشت، در حالی که عایشه و حفصه نزد آن حضرت بودند. حضرت به آنان فرمود: «به داخل اتاق بروید». آنان گفتند: «ابن ام‌مکتوم نابینا است». حضرت فرمودند: «او شما را نمی‌بیند، شما که او را می‌بینید» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۳۴/۵؛ شوکانی، ۱۹۷۳: ۲۴۹/۶). اگر مطلق نگاه کردن زن به مرد نامحرم (حتی بدون شهوت) حرام نبود، وجهی برای این استدلال پیامبر نبود؛ پس باید مطلق نگاه کردن زن به مرد حرام باشد.

بررسی: این دلیل برای اثبات مدعا کافی نیست؛ زیرا

اولاً روایت به نقل امامیه معتبر نیست؛ چون مرسل است. برقی بدون ذکر واسطه از پیامبر نقل می‌کند و معلوم است که وی نمی‌تواند بدون واسطه از پیامبر نقل کند؛ چراکه دست‌کم سه واسطه لازم است. روایت به نقل اهل سنت هم معتبر نیست. احمد حنبل به ضعف این حدیث اشاره کرده است (ابن قدامه مقدسی، بی‌تا: ۴۶۵/۷).

ثانیاً مسلماً میان زنان پیامبر و دیگر زنان تفاوت‌هایی در احکام وجود دارد؛ برای نمونه آیه شریفه به زنان پیامبر دستور می‌دهد که «در خانه‌هایتان بمانید و بروزی مانند بروز زنان در

زمان‌های جاهلیت نداشته باشید» (احزاب: ۳۳)، همان طور که به مردان دستور می‌دهد: «هنگامی که از زنان پیامبر کالایی تحویل می‌گیرید، از پشت پرده از آنان تحویل بگیرید و حق ندارید زنان پیامبر را به ازدواج خود درآورید» (احزاب: ۵۳). بنابراین با احتمال اختصاصی بودن حکم نمی‌توان آن را به دیگران تعمیم داد، همان طور که هم فقیهان امامیه (خویی، ۱۴۱۸: ۷۹/۳۲؛ زنجانی، ۱۴۱۹: ۸۸۲/۳) و هم اهل سنت (ابن قدامه مقدسی، بی تا: ۴۶۶/۷) این احتمال را مطرح کرده‌اند.

ثالثاً میان مدعا و علتی که برای حکم در این نقل آمده، تناسب و سنخیتی نیست؛ چون اگر نگاه کردن بدون شهوت زن به مرد نامحرم حرام باشد، یا باید زن نگاه نکند یا مرد باید اعضایی را که نگاه کردن زن به آن جایز نیست بپوشاند، نه اینکه زن حجاب را رعایت کند، آن طور که در این نقل آمده است؛ پس وجود علتی که برای حکم در این نقل آمده، احتمال صدور آن از معصوم را تضعیف می‌کند.

دلیل سوم

دلیل سوم روایت طبرسی از ام سلمه است. وی می‌گوید: «بعد از اینکه حجاب واجب شد، ابن‌ام‌مکتوم نزد پیامبر (ص) آمد، در حالی که من و میمونه نزد پیامبر (ص) بودیم. پیامبر به ما دستور داد که حجاب بپوشیم. ما گفتیم: «آیا ابن‌ام‌مکتوم نابینا نیست؟ او ما را نمی‌بیند». پیامبر پاسخ داد: «آیا شما هم نابینا هستید و او را نمی‌بینید؟» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۲۳۳؛ ابن حنبل، بی تا: ۲۹۶/۶).

بررسی: این دلیل نیز برای اثبات مدعا کافی نیست؛ زیرا

اولاً روایت معتبر نیست؛ چون مرسل است. طبرسی (م ۵۴۸ ق) بدون ذکر واسطه از ام سلمه نقل می‌کند و معلوم است که وی نمی‌تواند بدون واسطه از ام سلمه نقل کند. اعتبار نقل اهل سنت نیز احراز نشده است (ابن قطن، ۱۴۳۳: ۴۴۳).

ثانیاً همان طور که در بررسی روایت قبلی گفتیم، زنان پیامبر احکام اختصاصی داشته‌اند؛ پس با احتمال اختصاصی بودن حکم نمی‌توان آن را به دیگران تعمیم داد. ثالثاً در بررسی روایت قبلی نیز گفتیم که میان مدعا و علتی که برای حکم در این نقل آمده، تناسب و سنخیتی نیست.

دلیل چهارم

از حضرت زهرا روایت می‌کنند که «بهترین زنان، زنانی‌اند که مردان را نبینند و مردان آنان را نبینند» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۲۳۳؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ۶۰۱/۱۶). بررسی: این دلیل هم برای اثبات مدعا کافی نیست، اولاً روایت معتبر نیست؛ چون به نقل امامیه مرسل است و به نقل اهل سنت برخی روایانش توثیق ندارند (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۶۰۱/۱۶). ثانیاً لحن و ادبیات روایت، لحن و ادبیات ندبی و فضیلتی است و بر لزوم دلالتی ندارد.

دلیل پنجم

روایت شیخ صدوق که طبق آن، پیامبر فرمود: «غضب خداوند بر زن شوهرداری که چشمش از نگاه کردن به غیر شوهرش یا نامحرم‌هایش پر شود، زیاد می‌شود». بررسی: این دلیل برای اثبات مدعا کافی نیست؛ زیرا اولاً چند راوی مجهول در سند آن است و قابل استناد در فقه نیست (خویی، ۱۴۱۳: ۲۳۶/۷؛ ۱۱۸/۲۰).

ثانیاً موضوع آن از دو نظر اخص از مدعا است؛ یکی اینکه موضوعش زن شوهردار است، در حالی که به نظر طرفداران این دیدگاه، نگاه کردن غیر شهوی زن (چه شوهردار و چه غیر آن) به

مرد نامحرم حرام است و دوم اینکه موضوعش زن شوهرداری است که چشمش را از حرام پر کرده است، در حالی که ادعای طرفداران این دیدگاه این است که تک نگاه بدون شهوت هم حرام است. بنابراین مفاد روایت عام نیست.

ثالثاً حتی اگر بپذیریم حکم روایت عام است، مناسبت حکم و موضوع مقضی تقیید آن به نظر شهوی است؛ چون بر فرض پذیرش اینکه نگاه زن به مرد نامحرم مطلقاً حرام است، از حرام‌های مغلظ نیست که موجب شدت غضب خداوند بشود. شدت غضب خداوند درباره گناهانی چون شرک، پرستش غیر خدا و قتل پیامبران آمده است (صدوق، ۱۳۷۶: ۱۵۹؛ بخاری، ۱۴۰۱: ۳۷/۳). در اینجا هم شدت غضب خداوند با پر کردن چشم از نگاه شهوی تناسب دارد، نه غیرشهوی، همان طور که در روایات دیگر آمده است (صدوق، ۱۴۱۳: ۱۴/۴).

دلیل ششم

ادعای اجماع شده است (طباطبایی، ۱۴۱۸: ۵۳/۱۱؛ سبزواری، ۱۴۱۳: ۳۹/۲۴) و اجماع میان شیعه و سنی مشروط به شرایطی اعتبار دارد؛ البته مبانی و شرایط فریقین در اعتبار آن متفاوت است.

بررسی: این دلیل هم برای اثبات مدعا کافی نیست؛ زیرا

اولاً اساساً در مسئله اجماعی وجود ندارد، بلکه میان فقیهان غیر امامی اختلاف نظر وجود دارد (وزارت الاوقاف و الشؤون الاسلامیه، ۱۴۲۳: ۳۵۵/۴۰-۳۵۸). بسیاری از فقیهان متقدم امامیه مانند کلینی، صدوق، مفید، سید مرتضی، طوسی، علی حلبی، قاضی بن براج، سلار، ابن حمزه و ابن زهره نیز این مسئله را مطرح نکرده‌اند و فقط ابوالصلاح حلبی آن را آورده است (حلبی، ۱۳۶۲: ۲۹۶). بنابراین علامه حلی که خود طرفدار این دیدگاه است، نه تعبیر به اجماع کرده، نه تعبیر به مشهور و نه تعبیر به اشهر، بلکه گفته گروهی از علمای ما نگاه کردن زن به مرد را حرام دانسته‌اند (علامه حلی، ۱۳۸۸: ۵۷۳).

ثانیاً حتی اگر در مسئله اجماع هم وجود داشته باشد، اجماع واجد شرایط نیست؛ چون اجماع معتبر به نظر امامیه، اجماعی است که قبل از فقه تفریعی و تدوین مبسوط به دست شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) شکل گرفته باشد، در حالی که این مسئله در میان کتاب‌های فقهی قبل از فقه تفریعی، تنها در کافی ابوالصلاح حلبی (م ۴۴۷ ق) آمده است.

ثالثاً اگر اجماعی باشد، بیشتر اجماع‌کنندگان به دلیل‌های فوق تمسک کرده‌اند که برخی منابع آن را نقل می‌کنیم (سیوری حلی، ۱۳۷۳: ۲۲۱/۲؛ محقق اردبیلی، بی تا: ۵۴۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۴۸/۷؛ محقق ثانی، ۱۴۱۴: ۴۱/۱۲؛ کاظمی، ۱۳۶۵: ۲۶۸/۳؛ بحرانی، بی تا: ۶۶/۲۳)؛ در این صورت اجماعی مدرکی خواهد بود که اعتباری ندارد.

دیدگاه هشتم

نگاه کردن زن به تمام اعضای مرد که به طور متعارف پوشانده می‌شود، اگر پوشیده نباشد، جایز نیست، ولی به بقیه اعضا که معمولاً پوشانده نمی‌شود، جایز است. برخی فقیهان امامیه این نظر را دارند (سیستانی، ۱۴۲۲: ۳۹۸؛ منتظری، ۱۴۱۳: ۴۶۷؛ مکارم، ۱۴۲۶: ۱۸۲؛ ایروانی، ۱۴۲۷: ۳۰۸/۲) و این دیدگاه مختار نگارنده است. برای این دیدگاه، افزون بر اصل اباحه می‌توان به ادله زیر تمسک کرد.

دلیل اول

دلیل نخست تقریر معصوم است. رفتار زنان در زمان پیامبر (ص) به این گونه بوده که برای تأمین نیازهای فردی و اجتماعی شان مثل خرید، فروش، مداوا و شرکت در مراسم عبادی، در جامعه حضور پیدا می‌کردند و به صورت طبیعی نگاهشان به مردان می‌افتاده است. معصوم از آن اطلاع پیدا می‌کرد و تحذیری از نگاه کردن زنان به مردان گزارش نشده است، در حالی که از

نگاه کردن های شهوانی تحذیر کرده اند؛ نمونه روشن آن مواجهه زنان با پیامبر است که مواردی از آن را به صورت مستند نقل می کنیم:

۱. برخی زنان برای بیعت نزد پیامبر (ص) آمده اند (ممتحنه: ۱۲)؛
 ۲. برخی زنان برای دفاع از همسرشان نزد پیامبر (ص) آمده اند (مجادله: ۱)؛
 ۳. برخی زنان برای پرسیدن پرسش های خود نزد پیامبر (ص) آمده اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۸۵/۳؛ نسائی، ۱۴۱۰: ۵۸۳/۲)؛
 ۴. برخی زنان برای شکایت نزد حضرت آمده اند (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۵۶۶/۲؛ بخاری، ۱۴۰۱: ۸۹/۳)؛
 ۵. برخی از سؤال کنندگان از پیامبر و امام زن بوده اند که به صورت طبیعی نگاهشان به آنان می افتاده است (ثقفی کوفی، ۱۳۹۵: ۵۹/۱؛ حر عاملی، ۱۴۱۶: ۱۵۶/۲)؛
 ۶. برخی زنان، مانند وصیله، برای امان گرفتن نزد حضرت آمده اند (بلاذری، ۱۴۱۷: ۲۶۳/۱۱؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹: ۲۴۵/۱)؛
 ۷. برخی زنان طفل خود را برای تبرک نزد حضرت می آوردند (ابن اثیر جزری، ۱۴۰۹: ۳۸۰/۶)؛
 ۸. برخی زنان نزد حضرت می آمدند تا وی برایشان دعا کند (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۵۸/۶؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۱۲۸/۱).
- مشابه مطالب بالا درباره دیگر معصومان، از جمله حضرت علی (ع) (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۸/۱۰، ۱۹) و امام صادق (ع) (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۱۷/۶)، نیز گزارش شده و در همه این موارد فراوان تحذیری گزارش نشده است، در حالی که تحذیرهای معصوم از رفتارهای حرام افراد فراوان به ما رسیده است. برای نمونه زنی به نام خثعمیه نزد پیامبر آمد تا از وی سؤالی کند. فضل بن عباس خیره و شهوی به وی نگاه می کرد. حضرت با دستانش صورت وی را برگرداند (بروجردی، ۱۴۰۹: ۲۸۱/۲۰)؛

بخاری، ۱۴۰۱: ۱۴۰/۲). همچنین نقل کرده‌اند که پیامبر از دیگر حرام‌هایی که در حضورشان انجام می‌شد، نهی کرده‌اند (برقی، ۱۳۷۱: ۴۶۱/۲).

دلیل دوم

سیره قطعی متشرعه از زمان پیامبر (ص) تا کنون بر این استمرار داشته که زنان برای تأمین نیازهایشان مثل خرید، فروش، تعمیر وسایل و مداوا، در جامعه حضور پیدا می‌کردند. همچنین متعارف نبوده که مردان فقط صورت و دست‌هایشان را نپوشانند و دیگر اعضا را بپوشانند و نیز متعارف بوده که زنان به اعضای که مردان به طور متعارف نمی‌پوشانده‌اند، نگاه می‌کرده‌اند و نمی‌توان گفت در همه این تعامل‌ها هیچ‌گاه زنی به مردی نگاه نکرده است. این سیره در زمان معصومان هم جریان داشته و هر روز مورد ابتلا بوده است و اگر مورد رضایت شارع نبود، نقلی از منع معصوم می‌رسید، در حالی که نقلی، هرچند ضعیف، از منع معصوم نرسیده است.

دلیل سوم

دین اسلام دین سهله سمحه است (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۹۴/۵؛ بخاری، ۱۴۰۱: ۱۵/۱) و خداوند عسرو حرج را در احکامش نخواسته است: «مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (حج: ۷۸)، بلکه آسانی را خواسته است: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره: ۱۸۵)؛ بنابراین از قاعده يسر در استنباط استفاده شده است (اردبیلی، بی تا: ۱۴۸؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۱۸۱/۵؛ ۳۱۸/۹). تکلیف کردن زنان به نگاه نکردن به اعضای از بدن مردان که به صورت متعارف پوشانده نمی‌شوند، در زندگی اجتماعی پرازیبای امروزی يسر و آسانی در دین نیست، بلکه عسرو حرج است که شارع نخواسته است.

نتیجه

رهاورد بررسی دیدگاه‌های مذاهب فقهی مختلف درباره نگاه کردن زن به مرد را می‌توان در موارد زیر مطرح کرد:

۱. اگر پوشش بدن مرد متناسب با عرف محیطی که در آن به سر می‌برد باشد، نگاه کردن بدون شهوت زن به این اعضا اشکالی ندارد و تقریر معصوم، سیره قطعی متشرعه از زمان معصوم تاکنون از ادله معتبر مسئله است.
۲. در این مقاله علاوه بر بررسی تطبیقی میان مذاهب پنج‌گانه با استقصای ادله دیدگاه‌ها، تقریری جدید از ادله پیشینیان ارائه شد و ادله‌ای جدید افزوده شدند.
۳. این مقاله همچنین مسئله را با توجه به اقتضائات زمان حاضر بررسی کرده است و در این زمینه از قاعده یسر، که بر کل احکام پرتو می‌افکند، بهره برده است.
۴. پوشش متعارف متناسب با محیط‌های مختلف فرق می‌کند. در منزل یک نوع پوشش متعارف است، در کوچه و خیابان نوع دیگری از پوشش، در میدان ورزشی نوعی دیگر و در محل کار نوع مخصوص به محل کار. حتی شغل‌های مختلف اقتضای پوشش‌های مختلف دارند و نگاه کردن بدون شهوت زن به هر چه در هر محیط برای مرد متعارف باشد، جایز است.
۵. به غیر از دیدگاه مختار، دیدگاه‌های دیگری هم در امامیه و هم در دیگر مذاهب فقهی وجود دارد که ادله آنها بررسی و وجه بی‌اعتباری هر یک بیان شد.
۶. برای حرمت نظر به آیه ۳۱ سوره نور تمسک شده است که با قرائن متعدد روشن شد مراد آیه نگاه شهوی است.
۷. برخی از فقیهان فریقین به روایاتی برای حرمت نگاه غیر شهوی تمسک کرده‌اند که از نظر صدور یا دلالت یا جهت صدور و جاهت علمی نداشتند.

۸. درباره حکم نگاه کردن بدون شهوت زن به اعضای بدن مرد نامحرم، چه در میان فقیهان امامیه و چه در میان فقیهان دیگر مذاهب فقهی، اختلاف نظر فراوانی وجود دارد و اجماعی نیست؛ از این رو تمسک به اجماع صحیح نیست.
۹. حکم عقل در این مسئله اباحه است، ولی اعتبار حکم عقل مشروط به نبود دلیل نقلی معتبر بر خلاف آن است.
۱۰. نه تنها دلیل معتبری بر خلاف حکم عقل در این مسئله وجود ندارد، بلکه دو دلیل معتبر تقریر معصوم و سیره قطعی متشرعه موافق حکم عقل هستند.

کتاب نامه

- قرآن کریم
- ابن اثیر جزری، علی (١٣٦٧)، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، قم: اسماعیلیان، چاپ چهارم.
- ابن اثیر جزری، علی (١٤٠٩ق)، أسد الغابة، بیروت: دار الفکر، چاپ اول.
- ابن ادیس حلی، محمد (١٤١٠ق)، السرائر، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم.
- ابن حنبل، احمد (بی تا)، مسند احمد، بیروت: دار صادر.
- ابن شهر آشوب، محمد (١٣٧٦ق)، مناقب آل أبي طالب، النجف الأشرف: المكتبة الحیدریة.
- ابن فارس، احمد (١٤٠٤ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
- ابن قدامه مقدسی، عبدالله (بی تا)، المغنی، بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن قطان فاسی، علی (١٤٣٣ق)، فی احکام النظر، بیروت: دار القلم، چاپ اول.
- احمدی میانجی، علی (١٤١٩ق)، مکاتیب الرسول (ص)، قم: دار الحدیث، چاپ اول.
- اردبیلی، احمد (بی تا)، زبده البیان فی احکام القرآن، تهران: المكتبة الجعفریة، چاپ اول.
- ایروانی، باقر (١٤٢٧ق)، دروس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی، قم: بی نا، چاپ دوم.
- آخوند خراسانی، محمد کاظم (١٤٠٩ق)، کفایة الأصول، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول.
- بحرانی، یوسف (بی تا)، الحدائق الناضرة، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- بخاری، محمد (١٤٠١ق)، صحیح البخاری، بیروت: دار الفکر.
- برقی، احمد (١٣٧١ق)، المحاسن، قم: دار الکتب الإسلامیة، چاپ دوم.
- بروجردی، حسین (١٤٠٩ق)، جامع احادیث الشیعه، قم: مهر.
- بلاذری، احمد (١٤١٧ق)، انساب الاشراف، بیروت: دار الفکر.
- بهجت، محمد تقی (١٤٢٦ق)، جامع المسائل، قم: دفتر آیت الله بهجت، چاپ دوم.
- بهوتی، منصور (١٤١٨ق)، کشف القناع، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ثعلبی، احمد (١٤٢٢ق)، الكشف و البیان، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول.

- ثقفی کوفی، ابراهیم (۱۳۹۵ق)، الغارات، تهران: انجمن آثار ملی، چاپ دوم.
- جزیری، عبدالرحمن (۱۴۰۶ق)، الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت: دار الكتاب العربی.
- جصاص، احمد (۱۴۰۵ق)، احکام القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول.
- حر عاملی، محمد (۱۴۱۶ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ سوم.
- حکیم، سید محسن (۱۴۱۶ق)، مستمسک العروة الوثقی، قم: دارالتفسیر.
- حلبی، ابوالصلاح (۱۳۶۲)، الکافی فی الفقه، اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین (ع).
- خمینی، مصطفی (۱۳۷۶)، مستند تحریر الوسیله، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خواجهی، اسماعیل (۱۴۱۸ق)، جامع الشتات، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۰ق)، منهاج الصالحین، قم: مدینه العلم، چاپ ۲۸.
- خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۸ق)، موسوعة الإمام الخوئی، قم: مؤسسه إحياء آثار الخوئی، چاپ اول.
- خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، معجم رجال الحديث، قم: مدینه العلم، چاپ چهارم.
- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم، چاپ اول.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، الکشاف، بیروت: دار الكتاب العربی، چاپ سوم.
- زمخشری، محمود (۱۹۷۹م)، اساس البلاغه، بیروت: دار صادر، چاپ اول.
- زنجانی، موسی (۱۴۱۹ق)، کتاب نکاح، قم: رای پرداز، چاپ اول.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۶ق)، نظام النکاح، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ اول.
- سبزواری، عبدالأعلی (۱۴۱۳ق)، مهذب الأحکام، قم: مؤسسه المنار، چاپ چهارم.
- سرخسی، محمد (۱۴۰۶ق)، المبسوط، بیروت: دار المعرفة.
- سند بحرانی، محمد (۱۴۲۹ق)، کتاب النکاح، قم: مکتبه فذک، چاپ اول.
- سیستانی، سید علی (۱۴۱۷ق)، منهاج الصالحین، قم: دفتر آیت الله سیستانی، چاپ پنجم.
- سیوری حلی، مقداد (۱۳۷۳)، کنز العرفان، تهران: مرتضوی.
- سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور، قم: کتابخانه آیت الله نجفی، چاپ اول.

- شوکانی، محمد (۱۹۷۳م)، نیل الأوطار، بیروت: دار الجیل.
- شهید ثانی، زین الدین عاملی (۱۴۱۳ق)، مسالک الأفهام، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة، چاپ اول.
- صانعی، یوسف (۱۴۳۱ق)، التعليقة على تحرير الوسيلة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم.
- صدوق، محمد (۱۳۶۲)، الخصال، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- صدوق، محمد (۱۳۷۶)، الأمالی، تهران: کتابچی، چاپ ششم.
- صدوق، محمد (۱۳۷۸ق)، عیون أخبار الرضا(ع)، تهران: نشر جهان، چاپ اول.
- صدوق، محمد (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- ضیائی فر، سعید (۱۳۹۴)، «تأثیر آگاهی از فضای صدور در اجتهاد»، کاوشی در فقه اسلامی، دوره ۲، ش ۸۴، ص ۵۳-۷۷.
- طباطبایی، علی (۱۴۱۸ق)، ریاض المسائل، قم: مؤسسه آل البيت(ع)، چاپ اول.
- طببری، حسن (۱۳۷۰)، مکارم الأخلاق، قم: الشریف الرضی، چاپ چهارم.
- طوسی، محمد (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم.
- علامه حلی، حسن (۱۳۸۸ق)، تذکرة الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت(ع)، چاپ اول.
- غروی، سید محمد، مازح، یاسر (۱۴۱۹ق)، الفقه على المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت(ع)، بیروت: دارالثقلین.
- فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۷ق)، کتاب النکاح، بیروت: دار الملائک.
- فیومی، أحمد (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر، قم: دار الفکر، چاپ دوم.
- کاظمی، جواد (۱۳۶۵)، مسالک الأفهام، تهران، مرتضوی، چاپ دوم.
- کلینی، محمد (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم.
- متقی هندی، علی (۱۴۰۹ق)، کنز العمال، بیروت: مؤسسه الرسالہ.
- محقق ثانی، علی (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد، قم: مؤسسه آل البيت(ع)، چاپ دوم.

نگاه کردن زن به مرد نامحرم از دیدگاه مذاهب فقهی / ۵۵

- محقق حلی، جعفر (۱۴۰۸ق)، شرائع الإسلام، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
- مسلم نیشابوری (بی تا)، صحیح مسلم، بیروت: دار الفکر.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۱ق)، الفقه علی المذاهب الخمسة، بیروت: دار التیار الجدید دار الجواد، چاپ دهم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۶ق)، أحكام النساء، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب، چاپ اول.
- منتظری، حسینعلی (۱۴۱۳ق)، الأحكام الشرعية علی مذهب أهل البيت (ع)، قم: تفکر، چاپ اول.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۴۰۴ق)، زبدة الأحكام، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
- نجاشی، احمد (۱۳۶۵)، رجال النجاشی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، چاپ ششم.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم.
- نراقی، احمد (۱۴۱۵ق)، مستند الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول.
- نسائی، احمد (۱۴۱۰ق)، تفسیر النسائی، بیروت: مؤسسة الکتب الثقافیة، چاپ اول.
- نوری، حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامیه (۱۴۲۳ق)، الموسوعة الفقهیه، کویت: وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامیه، چاپ دوم.
- هیثمی، علی (۱۴۰۸ق)، مجمع الزوائد، بیروت: دار الکتب العلمیه.